

گسترده‌گی، دگرگونی و تنوع اطلاعات از ویژگی‌های عصر امروز است. در چنین وضعیتی اسرار و اطلاعات فروخته‌ه یگی پس از دیگری سربرآورده و روایت و تحلیل‌های یکجانبه درباره یک حادثه را حتی اگر به تاریخ پیوسته باشد به بازنگری وامی‌دارند. جنگ عراق علیه ایران از جمله حوادث تاریخی است که هر چه از آن دور می‌شویم درخصوص برخی اتفاقات بیشتر با روایت‌های متضات روبه‌رو می‌شویم. با اینکه مادر عصری هستیم که هنوز افراد بسیاری هستند که جزو شاهدان عینی وقایع و حوادث در صحنه جنگ بوده‌اند. عملیات آزادسازی سوسنگرد در آبان ماه سال ۵۹ یکی از وقایع ۸ سال دفاع مقدس است که روایت‌های مختلفی از آن بازگو شده است. از این روبه‌سراغ پژوهشگران و فعالان حوزه دفاع مقدس از جمله محسن رخصت طلب، پژوهشگر تاریخ جنگ، نصرت‌الله محمودزاده، نویسنده پیشکسوت حوزه ادبیات پایداری و گلعلی بابایی، پژوهشگر و مستندنگار دفاع مقدس و یکی از پرکارترین و مؤثرترین چهره‌های ادبیات پایداری و مقاومت رفتم و چرایی روایت‌های مختلف از یک واقعه در جنگ تحمیلی به طور خاص در این گزارش عملیات آزادسازی سوسنگرد را مطرح کردیم که حاصل آن پیش رویتان قرار داد.

«ایران» به بهانه سالگرد عملیات سوسنگرد، معیارهای اعتماد به روایت‌های مختلف از جنگ را به بحث گذاشت

نقشه دفاع در مقابل حمله گازانبری روایت های جنگی

■ انتشار اسناد جنگ کلیدروشن شدن ابهامات

محسن رخصت‌طلب، پژوهشگر تاریخ جنگ با اعتقاد به اینکه تا زمانی که اسناد جنگ منتشر نشود تناقضات و تعارضات در روایت‌ها وجود دارد، می‌گوید: «برای این موضوع می‌شود دلایل مختلفی برشمرد، یکی اینکه اساساً بعضی‌ها واقعبیت‌ها را نمی‌گویند و از نگاه شخصی یا سازمانی حادثه را روایت می‌کنند که این خطای بزرگی است چون به تاریخ و ذهن مخاطب لطمه می‌زند. دلیل دوم هم اینکه بعضی‌ها مشاهدات خود و دیگران را به همراه مطالعات‌شان واقع‌نگاری می‌کنند، یعنی حادثه را طوری بیان و روی آن تأکید می‌کنند که گویی واقعبیت تنها همان بوده که آنها گفته‌اند! بعضی دیگر هم متأسفانه به دلیل در دسترس نبودن اسناد جنگ آنچه را که از زاویه نگاه خودشان در جنگ دیده‌اند، همه واقعبیت تلقی می‌کنند. چه در خصوص موضوع سوسنگرد و چه موضوعات دیگر.»

وی در ادامه می‌افزاید: «در جنگ چه بسا اگر ۵ نفر یک حادثه‌ای را از ۵ نقطه مختلف ببینند هر کدام می‌آیند و آنچه را که دیده‌اند نقل می‌کنند و آن را همه واقعبیت تلقی می‌کنند بدون اینکه نقل دیگران از آن حادثه را بشنوند. حتی گاهی صحبت دیگران را مصادفاً خلاف فکر تلقی می‌کنند و این یکی از دلایل روایت‌های متفاوت از یک حادثه است.»

این راوی حوادث جنگ تحمیلی در تکمیل سخنانش می‌گوید: «به نظرم اگر ما بتوانیم از اقداماتی که برخی کشورها در مستند کردن



محسن رخصت‌طلب

بازگو می‌کنند.» این پژوهشگر تاریخ با اشاره به روایت‌هایی که درباره مقاومت سوسنگرد بیان شده است، می‌گوید: «سوسنگرد هم مثل بقیه وقایع نقل‌های متفاوتی دارد، مرکز مطالعات سیاه با اسندهایی که در اختیار داشته از زاویه دید خودش از این مقاومت گفته است، ارتش هم از زاویه نگاه خودش، نیروهای مردمی مثل شهید چمران و دیگران هم از زاویه دید خودشان ماجرا را نقل کرده‌اند. اینها هیچ وقت نشده بنشینند کنار هم یا مرجعی هم نبوده که هر کدام از این نقل‌ها را از روی رفتار علمی ممیزی و پیاده سازی کند و حرف اول و آخر را بزند.»

■ **روایت‌های متعدد باعث عدم اعتماد مخاطبان به حقیقت واقعه می‌شود**

نصرت‌الله محمودزاده نویسنده پیشکسوت حوزه ادبیات پایداری با بیان اینکه متأسفانه



نصرت‌الله محمودزاده

اخیراً چند روایتی شدن درخصوص مسائل و اتفاقاتی که در جنگ تحمیلی داشتیم زیاد شده است، می‌گوید: «روایت‌های متعدد باعث می‌شود مخاطبان احساس کنند صداقتی که باید در روایت وقایع باشد وجود ندارد.»

محمودزاده می‌افزاید: «یکی از دلایلی که درباره تعدد روایت‌ها وجود دارد این است که هر کس واقعه را از زاویه‌ای مختص به خودش می‌بیند. یعنی افراد با گذشت زمان با نگاه جدید به واقعه آن را بازسازی و تعریف می‌کنند و چون آن صداقت‌قبل در جامعه وجود ندارد، نمی‌توانیم قبول کنیم و بگوییم اصل قضیه همین بوده است.»

وی در ادامه می‌گوید: «مسائلی وجود دارد که از نظر امنیتی و نظامی صلاح کل کشور است که همچنان محرمانه باقی بماند. چون این موضوع مرسوم است که برای افشای بحث‌های

■ **دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۹**
■ **سال بیست و ششم**
■ **شماره ۷۴۸۶**



کاوّه گستان

من باید چمران را محور مقاومت قرار بدهم؟ یا شهید تجلایی و یکسری از بچه‌های سوسنگرد را؟ بچه‌های تبریز را محور مقاومت قرار بدهم یا کسانی که الان مسئولیت‌هایی دارند و آنجا هم بودند اما نقش تعیین کننده‌ای نداشتند، اما می‌توانند نقش آنهایی را که شهید شدند به خودشان نسبت دهند و بگویند که ما این کار را کرده‌ایم؟! اگر هم کسی بخواهد بیاید یکسری واقعبیت‌ها را بگوید که اتفاقاً آن مسأله به ضرر فردی می‌شود که الان در کشور مسئولیت دارد، اینجا دیگر بحث سیاسی شده یا تحریف شده و... بنابراین معمولاً افرادی که تاریخ را می‌نویسند همه را نمی‌گویند و نمی‌نویسند و حرف‌ها را می‌گذارند برای نسل‌هایی که دیگر این جناح بندی‌ها وجود ندارد، چون این بهترین راه است.»

محمودزاده با بیان اینکه خودش از افرادی بوده که در سوسنگرد از شاهدان موضوع بوده و در ماجرا دخیل هم بوده و حضور فعال داشته است، می‌گوید: «من داوطلبانه به سوسنگرد رفتم، من شاهد بودم مهم‌ترین چیزی که سوسنگرد را توانست نجات دهد، مقاومت درونی بچه‌های داوطلب بود اما همیشه کمتر به آن پرداخته شده است. الان متأسفانه طوری شده که اگر کسی بخواهد حقایق یک واقعه را دریابد، باید مثل یک محقق چندین مطلب را کنار هم بگذارد تا به نتیجه برسد. راحت نمی‌توانید بگویید که اگر از مجله فلان یا از کتاب‌های فلان جا راجع به این موضوع مطلبی بخوانم خیالم راحت است که همه‌اش واقعی است، متأسفانه این مشکل بخصوص برای نسل جوان وجود دارد. به همین خاطر هم می‌بینید که گرایش‌های جوانان امروز در واقع چپ و راست یا افراط و تفریط است و افراد متعادل کمتر داریم. متأسفانه الان کتاب‌هایی که نوشته می‌شود کتاب‌هایی هستند که اکثر به سمتی می‌رود که موضوعی را به خواننده القا کند که قضیه این است! و این باعث شده در این حوزه ریزش خواننده داشته باشیم.» وی در ادامه خاطره ای درباره آزادسازی سوسنگرد تعریف می‌کند و می‌گوید: «خاطره فراموش نشدنی از یک جمله تاریخی از بچه‌های تبریز دارم. وقتی عملیات تمام شد و سوسنگرد آزاد شد ما در قسمت مالکیه مستقر بودیم. جلسه‌ای گذاشته و سوالی مطرح شد که اگر دوباره عراق آمد و سوسنگرد را محاصره کرد، ما باید چه کار کنیم؟ بین افراد حاضر یک بحثی شد و همان کسی که من می‌گویم از بچه‌های تبریز بود، گفت: «می‌مانیم و باز هم مقاومت می‌کنیم» گفتیم: چرا؟ گفت: «اگر ما بایستیم و مقاومت کنیم و در محاصره باشیم امام چون ما را دوست دارد، به خاطر نجات ما می‌تواند به ارتش و نیروهای نظامی دستور بدهد که بیایند و سوسنگرد را آزاد کنند! اما اگر ما نباشیم دلیلی ندارد امام کاری کند.» آن جوان ۱۹۱۸ سال بیشتر نداشت اما به نظر من بهترین تحلیل بود. از چنین فردی با چنین تحلیلی می‌شود به میزان ارتباط عمیق جوانان با امام بی‌برده‌مان انگیزه‌ای که باعث مقاومت مردم در شهرهای مرزی شد.»

■ **باید به نویسنده و محقق اعتماد کرد، مگر در موارد خاص!**

گلعلی بابایی پژوهشگر و مستندنگار دفاع مقدس نظری متفاوت دارد و می‌گوید: «اینکه در بعضی از موضوع‌ها، روایت‌های متفاوتی می‌شنویم طبیعی است چون هر واقعه شاهدان متعددی دارد و هر کس هم با نگاه خودش به واقعه نگاه بعد تحلیل و قضاوت می‌کند و در مورد هر حادثه‌ای ممکن است این اتفاق بیفتد.»

وی درخصوص اینکه مخاطب از کجا باید بداند که کدام روایت به واقعیت نزدیک تر است، توضیح می‌دهد: «دستیابی به واقعیت سازوکار خودش را دارد، یعنی وقتی مستندنگار یا تاریخ‌نویس یا کسی که قرار است درباره واقعه‌ای بنویسد و آن را توصیف کند، اول باید تحقیق و پژوهش انجام بدهد، راستی آزمایی کند، حرف‌های مختلف را بشنود و مدارک و مستندات را ببیند، بعد قضاوت یا ثبت کند. راستی آزمایی و همپوشانی کردن اطلاعات با همدیگر و رسیدن به یک خروجی مشخص می‌تواند ابهامات را برطرف کند. البته در برخی وقایع هم شاید اصلاً خروجی حاصل نشود. مثل خیلی از مسائل جنگ که در مورد آنها هنوز یک اتفاق نظر پیش نیامده است. مثل بحث پایان جنگ یا ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر یا قبول قطعنامه خیلی از بحث‌های دیگر که آنها هم به خاطر اینکه مسئولان کمتر راجع به آنها صحبت و اظهارنظر کردند همچنان د ر هاله‌ای از ابهام مانده است.» این مستندنگار دفاع مقدس ادامه می‌دهد: «اگر کسی محقق نباشد مثلاً یک جوان که برای اطلاعات شخصی دنبال موضوعی است، نباید به عنوان یک آدم شکاک به هر چیزی با شک نگاه کند، خیلی از موضوعات جنگ روایت‌های متفاوت ندارند و شکی در واقعیت آنها وجود ندارد بلکه برخی سخت می‌گیرند. خیلی روایت‌ها هستند که شکی در واقعیت آنها وجود ندارد. ما در کتاب‌های می‌خوانیم که در بعضی عملیات‌ها شکست، در بعضی عملیات‌ها پیروزی و در بعضی عملیات‌ها عقب‌نشینی داشتیم. در تعدادی شهید زیادی دادیم و... اینها همه وجود دارد و در خیلی از کتاب‌ها به طور مستند آمده است. وقتی کتابی را یک مؤسسه یا سازمانی می‌نویسد قطعاً آنجا آدم‌ها و فیلترهایی بوده که اطلاعات را تأیید و راستی آزمایی کرده‌اند.» بابایی با بیان اینکه روایت‌های مختلف راجع به یک واقعه بیشتر در خاطرات صدق می‌کند، می‌گوید: «هر فرد از نگاه شخصی به واقعه نگاه کرده و

آن را روایت می‌کند. مثلاً خاطرات افراد از یک عملیات می‌تواند متفاوت باشد. این تفاوت هم به خاطر جایگاه فردی است که هر کدام دارند، یک موقع عملیات را فردی که تک تیرانداز بوده نقل می‌کند که او فقط خودش و چند متر اطرافش را می‌دیده و همان را هم بازگو کرده است. یک موقع هم همان عملیات را یک فرمانده روایت کرده که قطعاً او شعاع بیشتری از جغرافیای این عملیات را دیده و اطلاعات بیشتری راجع به آن عملیات داشته است. حالا اگر فرد محقق و پژوهشگر باشد، باید با مستندات، روایت راوی‌ها، مکتوبات و مدارک شنیداری بیشتری از آن واقعه را بررسی و بعد قضاوت کند اما اگر مخاطب عام است باید به نویسنده مطلب اطمینان کند. مگر اینکه میان مطلبی که خوانده یا دانسته‌های قبلی اش ابهامی به وجود بیاید که آنجا باید تحقیقاتش را بیشتر کند تا به یک جمع‌بندی برسد.

■ **شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها برای رسیدن به واقعیت**

آشنایی با دیدگاه‌ها و نظریات دیگران درباره مسائل جنگ ایران و عراق، شناخت قوت‌ها و ضعف‌های تحلیل‌های جنگ ایران و عراق، آگاهی از میزان صحت اطلاعات و اخبار منتشر شده و در صورت نیاز اصلاح تحلیل‌گران آثار، استفاده از تجربه افرادی که از نزدیک در صحنه واقعه بودند و مسئولیتی در آن داشته‌اند، ضرورت دارد تا به حقیقت یک واقعه که چندین روایت دارد، پی برد.

در پاسداشت سالروز شهادت جمعی از نخبگان صنایع موشکی و در رأس آنان سردار شهید حسن طهرانی مقدم

موشک‌سلاحی در خدمت بازدارندگی

نه سال پیش در چنین ایامی، در ساعاتی که اهالی پایتخت و شهرهای بزرگ کوچک اطراف آن، درپایان کار و تلاش روزانه به خانه برمی‌گشتند، یکباره صدای مهیبی شنیدند که منشأ آن معلوم نبود. اما براحتی می‌شد حدس زد که صدای مهیب به همراه لرزش ناشی از آن، در نتیجه یک انفجار بسیار شدید بوده است. اولین خبرها یافت تا آنکه نام شهید حسن طهرانی مقدم به‌عنوان یکی از افراد مؤثر در راه‌اندازی صنایع موشکی کشور از ویرانه‌های مرکز صنایع موشکی کشور همچون ققنوس از دل خاکستر به پرواز درآمد و مردم شهرهای دورو نزدیک از تجهیزسیستم دفاعی کشور به انواع موشک‌های دوربرد و میانبرد باخبر شدند. این حادثه مردم را به یاد روزهایی انداخت که رژیم بعث عراق ناجوانمردانه هزار چندی شهرهای بی‌دفاع ومسکونی را با موشک‌های روسی هدف قرار داده و بعضاً محله‌ای را به خاک و خون می‌کشید و چیزی جلودارش نبود. آن روزها ایران به‌دلیل در اختیار داشتن

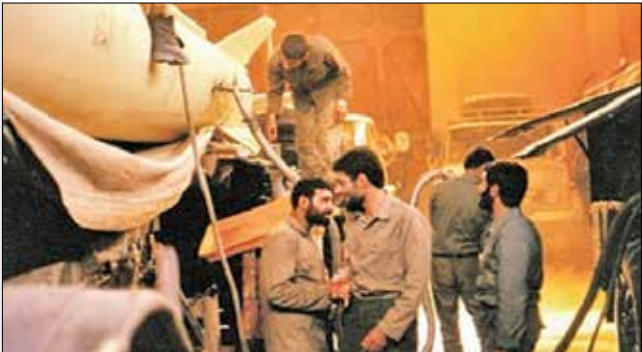
توان موشکی نمی‌توانست دشمن را از اینگونه اقدامات ناجوانمردانه باز دارد و رژیم بعث عراق با برتری در این بخش از همان ابتدا به پشت‌گرمی به سکوت محافل بین‌المللی از سلاح‌های غیرمتعارف علیه مناطق مسکونی می‌شود، اما ارتش ایران قبل از انقلاب فاقد این سلاح بود. این درحالی بود که اغلب همسایه‌های ما از جمله عراق به موشک‌هایی با بردهای متفاوت مجهز بوده و توازن قدرت که اصل مهمی در بازدارندگی از تهاجم دشمن است در این بعد برقرار نبود.

■ **زاندارم منطقه فاقد توان موشکی**
پس از جنگ جهانی دوم با وجود آنکه سامانه موشکی در کنار کارگردهای فناوریانه در توسعه علوم، همچنین گسترش ایده‌های صلح آمیز بخش عمده‌ای از توان نظامی یک کشور در جهت اهداف آقندی و پدافندی محسوب می‌شود، اما ارتش ایران قبل از انقلاب فاقد این سلاح بود. این درحالی بود که اغلب همسایه‌های ما از جمله عراق به موشک‌هایی با بردهای متفاوت مجهز بوده و توازن قدرت که اصل مهمی در بازدارندگی از تهاجم دشمن است در این بعد برقرار نبود.

اولین موشک عراقی ۱۰ رز قبل از آغاز هجوم سراسری ارتش این کشور به خاک کشورمان، کاروان مقامات رسمی کشور شامل ابوالحسن بنی‌صدر ریاست‌جمهوری، محمدعلی رجایی نخست‌وزیر، تیمسار ولی‌الله فلاحی رئیس ستاد مشترک، سرلشکر قاسمعلی ظهیر رئیس فرمانده نیروی زمینی ارتش و سرلشکر جواد فکوری وزیر دفاع را که برای بازدید از مرز به منطقه غرب رفته بودند هدف گرفت، اهمیت این سلاح دانسته شده و از همان روز ایده جریان این نقیصه در مجموعه سامانه دفاعی کشور در ذهن‌ها شکل گرفت. آغاز جنگ شهرها از سوی عراق با شلیک اولین موشک اسکا‌د ۳۰۰ معروف به موشک ۶ متری در ۱۶ مهر ۱۳۵۷ یعنی ۱۷ روز پس از آغاز رسمی جنگ به درفول و به بار آمدن خرابی‌های بسیار و شهادت تعداد زیادی از مردم عادی و بی‌پناه در یک لحظه، مسئولان را بر آن داشت تا هرچه زودتر چاره‌ای برای رفع این نقیصه بیابند. در آن شرایط تنها راه منصرف کردن رژیم بعث عراق از ارتکاب چنین جنایاتی مقابله به مثل بود، یعنی تحقق خواسته مردم که در شعار «موشک، جواب موشک» تیلور داشت، ولی دست‌ها برای این کار خالی بود در مراحمی بعدی معلوم شد طرحی برای اغلب کشورها هم ایران را تحریم نظامی کرده و حاضر نبودند چنین سلاحی در اختیار

■ **پننگانداری صنایع موشکی در سال ۶۳**

سال ۶۳ ایران تصمیم گرفت تا اقدامی اساسی در جهت تولید موشک انجام دهد. از این رو گروهی از سپاهیان با محوریت حسن طهرانی مقدم به منظور فرا گرفتن نحوه آماده‌سازی و پیرتاب موشک مأموریت یافتند که در شعار «موشک، جواب موشک» تیلور داشت، ولی دست‌ها برای این کار خالی بود و برنامه‌ای هم برای تولید موشک نداشتیم. به‌دلیل اعتقاد قرارداد با شوروی سابق قادر به فروش موشک به ایران نبود اما آمادگی



داشت تا دانش موشکی را به نیروهای ما منتقل کند. چندی بعد موشک‌های معدودی که از لیبی و کره شمالی خریداری شده بود توسط خدمه خودی به اهدافی اقتصادی در عمق عراق شلیک شد. در نتیجه آن برای مدتی حملات موشکی عراق متوقف شد، اما در اختیار کشورمان قرار دهد که این اقدام لیبی به‌دلیل همراه شدن خدمه موشک‌های ارسالی و تعصب عربی آنان فاقد تأثیرگذاری بود.

■ **جنگ نفتکش‌ها مصلیبتی دیگر**
جنگ نفت‌کش‌ها که به هدف قرار دادن اهداف اقتصادی در خلیج فارس از طریق عملیات نظامی (هوا- دریا) توسط موشک و بمباران هوایی در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اطلاق می‌شود در سال ۱۳۶۲ آغاز شد و به هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری –

نفتی در خلیج فارس به مقصد بنادر ایران لطمه‌ای جدی به صدور نفت و بیکره اقتصاد کشورمان وارد آورد. هدف عراق از به‌راه انداختن این جنگ وارد آوردن فشار بیش از پیش بر ایران بود، زیرا با کاهش در آمد نفتی از طریق محدود شدن صدور نفت، همچنین افزایش هزینه‌های تولید و صدور نفت به‌دلیل انهدام منابع و پایانه‌های نفتی و افزایش حق بیمه نفت‌کش‌های خارجی و غیره تأمین موشک‌های میانبرد برای ایران که گاهی تا دوونیم میلیون دلار بر یک از آنها هزینه در بر داشتند مقدور نبود.

■ **موشک سلاح بازدارندگی**

موشک با وجود آنکه در مامیبت خود یک سلاح است و سلاح وسیله‌ای برای جنگ و درگیری، اما در بین همه تسلیحات، هیچ سلاحی به اندازه موشک در بازدارندگی نقش ندارد. موشک در میان تسلیحات بالاترین کارایی را در زمینه بازدارندگی داشته و بیشتر در جلوگیری از شرارت‌های جنگی مؤثر است تا وقوع جنگ. از این‌رو از نیمه دوم سال ۱۳۶۲ در نتیجه حملات موشکی سنگین توسط رژیم بعث عراق که گستره آن بیش از گذشته بود و تا نامی در شهرها را تشدید کرده بود مقامات عالی‌رتبه کشور را بر آن داشت تا تصمیم مهمی بگیرند؛ تصمیمی که سرنوشت توان نظامی ایران را تغییر دهد. این درشرایطی بود که هیچ امکان و زیرساختی برای این کار وجود نداشت.

در این راستا، ۱۳ نفر از یگان توپخانه سپاه به فرماندهی «حسن طهرانی مقدم»، برای

گذراندن دوره آموزشی عازم سوریه شدند تا پس از گذراندن دوره‌های لازم، اولین یگان موشکی ایران را راه‌اندازی کنند. وزیر وقت سپاه نیز مسئولیت تجهیز اولین هسته یگان موشکی سپاه را برعهده گرفت و اینگونه، اولین گام‌ها برای اشکال‌گیری یگان موشکی کشور با هدف بازدارندگی برداشته شد. حسن طهرانی مقدم، محور این گروه بود که تجربه کاردر توپخانه سپاه را در چنته داشت. این گروه در آبان ۱۳۶۲ راهی سوریه شد و کار خود را شروع کرد و در فرصتی کوتاه فرماندهی سکو، موتناژ و بارگیری موشک، تزریق سوخت، استقرار موشک و نصب کلاهک، نصب سرچنگی، هوشناسی، تست و... را را اتمخت.

با بازگشت افسران جوان به کشور، ایران موفق شد با تکیه بر توانمندی نیروهای خودی و به‌استفاده از موشک‌های خریداری شده از فشار دشمن کاسته و در دوران دفاع مقدس ضربات متقابل را به‌زیر به طرف عراقی وارد نماید. این موفقیت‌ها مروهون نخبگان گمنامی همچون حسن طهرانی مقدم است که در میانه راه با جسارت علمی و خودباوری در فو‌رودن موشک‌های خریداری شده را در اختیار گرفت تا با مهندسی معکوس به ساختار آن پی برده و تولید آن را آغاز کند. درپی این اهتمام غیرتندانه امروز کشور به فناوری تولید انواع موشک‌های پیشرفته دست یافته و این توانایی‌عاملی در بازدارندگی تهاجم دشمنان به‌خاک کشورمان محسوب می‌شود.